

هاچین و اچین

تصویرگر: میترا عبداللہی

افسانہ شعبان نژاد

ھیچانہ

چایی کہ بی قند نمی شه
کلاغه تو باغ، بند نمی شه
باغ بزرگ، در نداره
کلاغ سیاه، پر نداره
کلاغه بی پر می پره
این ور و اون ور می پره
غذاشو رو بند می خوره
چایی رو بی قند می خوره



بود و بود و بود

شکوه قاسم نیا

بود و بود و بود، سه تا قطره بود.
هر سه تایی از آسمون چکیدند.
روی زمین رسیدند.
اولی گفت: «من می چکم تو باغچه.»
می رم پیش پیازچه.»
دومی گفت: «من می چکم تو دریا.»
بُخار می شم، بازم می رم اون بالا.»
سومی گفت: «نگام کنی. من
می شینم روی گل، تا که برام آواز
بخونه بلبل.»



بندانگشتی

اسدالله شعبانی



ماهی پرید توی آب
آب، قاطی شد با مهتاب

گر به‌ها مثل موشند
پوستِ پلنگ می‌پوشند



عدسی کجاس؟ تو آشه
نخودی کیه؟ باباشه



کلمه بازی

جعفر ابراهیمی

- بگو خرما
- خرما
- آش می خوری، بفرما



- بگو تاب
- تاب
- بازی نکن تو آفتاب



- بگو لاله
- لاله
- رو صورتت یه خاله



مصطفی رحماندوست

اسمش چیه؟

اسمش چیه؟ خروسه
چه کاکلش ملوسه
جوجه داره چهارتا
زنش کیه؟ یه مرغه
یه مرغ ناز و زیبا
قوقولی قوقو می خونه
از سر هر کی خوابه
خوابشو می پروونه

